

چرا احقاق حق ایران در مجامع بین‌المللی درخصوص ماجرای هسته‌ای مهم است؟

مارپیچ سکوت حقوقی را بشکنید



علی مزرعوی
صورتکار گروه سیاست

حمله به تأسیسات هسته‌ای در جریان جنگ ۱۲ روزه نته‌تها نقض آشکار قوانین بین‌المللی است، بلکه پیامدهای زیست‌محیطی و انسانی گسترده‌ای را به دنبال دارد. ایران، به‌عنوان کشوری که برنامه هسته‌ای خود را تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیش می‌برد، بارها بر صلح‌آمیز بودن این برنامه تأکید کرده است. با این حال، حملات اخیر رژیم صهیونیستی و در ادامه آمریکا به تأسیسات

هسته‌ای ایران نشان‌دهنده بی‌توجهی آشکار به تعهدات بین‌المللی، از جمله پروتکل‌های کنوانسیون ژنو و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل است که هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای را ممنوع می‌کنند. در حالی که ادعا شده ایران پیش از این حملات ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده را از این تأسیسات خارج کرده، رافائل گروسی دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با اشاره به عدم گزارش تشعشعات رادیواکتیو، به‌صورت غیرمستقیم از‌کنار این موضوع گذشته است. این موضع‌گیری متفعلانه آژانس، در حالی که نقش حمله به تأسیسات هسته‌ای به‌خودی‌خود اقدامی غیرقانونی و خطرناک محسوب می‌شود امری محل انتقاد

حمایت حقوقی از تأسیسات هسته‌ای و پیامدهای نقض آن

ایران پس از سال‌ها همکاری با آژانس، در تیر ۱۴۰۳ قانونی‌را به تصویب رساند که همکاری با این نهاد را مشروط به تضمین امنیت تأسیسات هسته‌ای و فعالیت‌های صلح‌آمیز کرد. بر اساس این قانون، بازرسان آژانس تنها با تأیید شورای عالی امنیت ملی اجازه ورود به کشور را دارند. این تصمیم در واکنش به نقض مکرر تعهدات آژانس، از جمله افشای اطلاعات محرمانه برنامه هسته‌ای ایران، اتخاذ شد.
اساسنامه آژانس، حفاظت از اطلاعات محرمانه کشور را الزامی می‌داند، اما گزارش‌هایی از درز اسناد حساس ایران به رسانه‌ها وجود دارد. ایران در سال ۲۰۱۲ طی نامه‌ای به شورای حکام این تخیلفات را رسماً در شورای

حقوق بین‌الملل تأسیسات هسته‌ای را به دلیل خطر تشعشعات رادیواکتیو حتی در زمان جنگ تحت حمایت و ویژه قرار داده است. پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌ژنوی اصل را تصریح می‌کندو هرگونه حمله به این تأسیسات را نقض قواعد بشروستانه می‌داند. معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) نیز به کشورهای عضو اجازه می‌دهد از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بهره‌مند شوندو حمله به تأسیسات هسته‌ای را نقض این حق می‌شمارد. در صورت وقوع تهدیدات جدی علیه منافع حیاتی یک کشور، مانند حمله به تأسیسات هسته‌ای، معاهده NPT به دولت‌ها اجازه می‌دهد از این معاهده خارج شوند.

اگر مواد هسته‌ای جابه‌جا نمی‌شد چه فاجعه‌ای رخ می‌داد

خنک‌کننده یا راکتور ها منجر شود. در چنین شرایطی، آزاد شدن تشعشعات رادیواکتیو به هوا، خاک و آب‌های زیرزمینی اجتناب‌ناپذیر بود. تجربه فاجعه چرنوبیل نشان داد که نشت رادیواکتیو می‌تواند صدها کیلومتر را آلوده کندو اثرات آن تا دهه‌ها باقی بماند.

تشعشعات رادیواکتیو می‌تواند به بیماری‌های حاد مانند سرطان‌های مختلف و نقایض مادرزادی در نسل‌های آینده منجر شود. کارگران تأسیسات، ساکنان محلی و نیروهای امدادی که برای مهار نشتست اعزام می‌شدند، در معرض بیشترین خطر قرار داشتند. برای مثال، در فاجعه نشت مواد رادیواکتیو در اثر زلزله و سونامی در فوکوشیما ژاپن در سال ۲۰۱۱ هزاران نفر به دلیل آلودگی رادیواکتیو آواره شدندو سلامت دهها هزار نفر به خطر افتاد. در ایران، با توجه به تراکم جمعیتی در نزدیکی اصفهان و مناطق اطراف نطنز، تعداد قربانیان مستقیم و غیرمستقیم می‌توانست به صدها هزار نفر برسد. علاوه بر این، آوارگی گسترده، تخلیه شهرها و روستاها فشار بر زیرساخت‌های بهداشتی و امدادی می‌توانست نظام اجتماعی و اقتصادی کشور را به شدت مختل کند.

حمله اخیر ایالات متحده در حمایت از اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در فردو، نطنز و اصفهان طی جنگ ۱۲ روزه، یکی از خطرناک‌ترین اقدامات نظامی علیه زیرساخت‌های هسته‌ای در دهه‌های اخیر بود. از جانب رسانه‌ها و مقامات غربی بارها این ادعا مطرح شده که ایران پیش از این حملات، ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده را از این تأسیسات خارج کرده است. در صورت صحت چنین ادعایی باید توجه داشت که به دلیل مسئولیت‌پذیری و دقت ایران فاجعه‌ای هسته‌ای رخ نداده است. اما اگر ایران این اقدام پیشگیرانه را انجام نداده بود، پیامدهای انسانی، زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی این حملات می‌توانست به فاجعه‌ای بی‌سابقه منجر شود. نخستین و مهم‌ترین پیامد احتمالی، نشت مواد رادیواکتیو به محیط زیست بود. تأسیسات هسته‌ای مانند فردو، نطنز و اصفهان حاوی مقادیر قابل توجهی اورانیوم غنی‌شده، پسماند‌های رادیواکتیو وسایر مواد خطرناک هستند. حمله با بمب افکن‌های بی-۲، که قادر به تخریب سازه‌های مستحکم زیرزمینی هستند، می‌توانست به آسیب‌دیدگی مخازن ذخیره‌سازی، سیستم‌های

قربانیان غیرمستقیم حمله به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای

که نه‌تنها نیاز داخلی را تأمین می‌کند، بلکه به کشورهای منطقه نیز صادر می‌شود. حمله به تأسیسات هسته‌ای، حتی اگر مستقیماً به بخش‌های تولید رادیودارو آسیب نرساند، می‌تواند با تخریب زیرساخت‌ها، سانساتیفیژوها یا سیستم‌های پشتیبانی مانند برق و خنک‌کننده، تولید این مواد را کند و یا متوقف کند. توقف تولید رادیوداروها پیامدهای فوری برای بیماران دارد. در ایران، صدها هزار بیمار مبتلا به سرطان، بیماری‌های قلبی و سایر بیماری‌های مزمن به این فرآورده‌ها وابسته‌اند. اسکن‌های پزشکی هسته‌ای سالانه برای تشخیص دقیق و به‌موقع بیماری‌ها در میلیون‌ها بیمار در سراسر جهان استفاده می‌شوند. در صورت اختلال در تأمین سوخت راکتور تهران بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در ایران مجبور به کاهش یا توقف خدمات تشخیصی می‌شوند که می‌تواند به تأخیر در تشخیص بیماری‌ها و بدتر شدن وضعیت بیماران منجر شود. این امر به‌ویژه برای بیماران سرطانی که نیاز به اسکن‌های منظم برای پایش پیشرفت بیماری یا

حمله اخیر ایالات متحده با حمایت اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در فردو، نطنز و اصفهان طی جنگ ۱۲ روزه، نه‌تنها نقض قوانین بین‌المللی بود، بلکه تهدیدی جدی برای سلامت بیماران وابسته به فرآورده‌های پزشکی هسته‌ای ایجاد می‌کرد. این تأسیسات، علاوه بر نقش استراتژیک در برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، در تولید رادیوداروها و وسایر فرآورده‌های پزشکی حیاتی برای تشخیص و درمان بیماری‌های مختلف، به‌ویژه سرطان، نقش کلیدی دارند. تخریب یا اختلال در فعالیت این تأسیسات می‌تواند زنجیره تأمین این محصولات را مختل کرده و بیماران را در ایران و حتی منطقه با مشکلات جدی مواجه کند.

تأسیسات هسته‌ای ایران، به‌ویژه راکتور تحقیقاتی تهران که به‌طور مستقیم هدف قرار نگرفت اما تحت تأثیر حملات به زیرساخت‌های هسته‌ای قرار دارد اثرات مهمی بر بیماران وابسته به محصولات هسته‌ای می‌گذارد. ایران سالانه حجم قابل توجهی از رادیوداروها را تولید می‌کند

طرح حمله اتمی به ایران سال ۵۲ روی میز آمریکا بود

اسناد منتشرشده از آرشیو امنیت ملی آمریکا نشان‌دهنده یکی از تکان‌دهنده‌ترین برنامه‌های نظامی ایالات متحده در دوران جنگ سرد است که طی آن ایران، به‌عنوان متحد نزدیک آمریکا، به‌عنوان هدف حملات هسته‌ای در نظر گرفته شده بود. در سال ۱۹۷۴ میلادی (۱۳۵۲ شمسی)، ایالات متحده در شبیه‌سازی جنگی محرمانه‌ای با عنوان SCYLLA III، سنساریویی طراحی کرد که در آن، در صورت حمله ارتش اتحاد جماهیر شوروی به خاک ایران، واشنگتن برای جلوگیری از پیشروی دشمن به‌سوی خاورمیانه، اقدام به استفاده از ۵۴ بمب اتمی در نقاط مختلف ایران می‌کرد. این طرح که خاک ایران را به‌عنوان «سپر انسانی اتمی» قربانی اهداف ژئوپلیتیک می‌کرد، نه‌تنها نشان‌دهنده بی‌توجهی به جان میلیون‌ها غیرنظامی ایرانی بود، بلکه نقض آشکار

و شائبه برانگیز است. این شائبه با به‌خاطر آوردن اخبار اسنادی که ایران از اسرائیل خارج کرده است بیشتر هم می‌شود؛ چراکه مطابق این اخبار گزارش‌های ارائه شده به آژانس نیز در این اسناد وجود داشت و احتمال جاسوسی کارکنان آژانس برای اسرائیل را تقویت کرد. از منظر تاریخی، این اولین بار نیست که ایران هدف سنساریوهای هسته‌ای قرار گرفته است. اسناد منتشرشده از آرشیو امنیت ملی آمریکا نشان می‌دهد که در سال ۱۹۷۴، ایالات متحده در شبیه‌سازی جنگی SCYLLA III، طرحی برای استفاده از ۵۴ بمب اتمی در خاک ایران، به‌عنوان سپر انسانی علیه اتحاد جماهیر شوروی، تدوین کرده بود.

حکام محکوم کرد. دولت‌ها برای پاسخ‌گو کردن آژانس می‌توانند به سازوکارهایی مانند طرح شکایت در شورای حکام استناد کنند. در صورت تخلفات جدی، این شسورا می‌تواند موضوع را به شورای امنیت ارجاع دهد. همچنین، کاهش همکاری با آژانس، همان‌طور که ایران در سال ۲۰۱۹ در واکنش به نقض برجام انجام داد، راهکار دیگری برای فشار بر این نهاد است. قانون اخیر مجلس ایران نیز در همین راستا طرحی شده است.

حقوق بین‌الملل و معاهده NPT تنها در صورتی پایدار می‌مانند که امنیت برنامه‌های هسته‌ای کشورهای عضو را تضمین کنند. اگر حملات به تأسیسات

از منظر زیست‌محیطی، آلودگی رادیواکتیو می‌توانست اکوسیستم‌های منطقه را برای دهه‌ها غیرقابل زیست کند. خاک‌های آلوده به مواد رادیواکتیو، می‌توانستند کشاورزی را در مناطق وسیعی متوقف کنند. رودخانه‌ها و آب‌های زیرزمینی که منابع حیاتی برای شرب و کشاورزی هستند، در معرض آلودگی قرار می‌گرفتند و این آلودگی می‌توانست از طریق جریان‌های آب به کشورهای همسایه، مانند عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس، گسترش یابد. حیات وحش نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌گرفت؛ مطالعات پس از چرنوبیل نشان داد که گونه‌های گیاهی و جانوری در مناطق آلوده دچار جهش‌های ژنتیکی و کاهش جمعیت شدند. در ایران که تنوع زیستی بالایی دارد، چنین فاجعه‌ای می‌توانست به انقراض گونه‌های محلی و تخریب اکوسیستم‌های شکننده منجر شود.

از منظر اقتصادی، هزینه‌های مهار فاجعه، بازسازی مناطق آلوده و جبران خسارات انسانی و زیست‌محیطی می‌توانست اقتصاد ایران را برای سال‌ها با چالش جدیدی مواجه‌کند. تجربه‌این پس از فوکوشیما نشان داد که هزینه‌های

از زیرساخت‌های غیرنظامی محسوب می‌شوند و حمله به آن‌ها نقض این اصل است. این اقدام نه‌تنها بیماران را به خطر می‌اندازد، بلکه نشان‌دهنده بی‌اعتنایی به ارزش‌های انسانی و اخلاقی در راستای اهداف سیاسی و نظامی است.

اقدام پیشگیرانه ایران در انتقال ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده، خطر فاجعه هسته‌ای را کاهش داد، اما این حملات همچنان به زیرساخت‌های حساس آسیب رسانده و می‌توانست تولید رادیوداروها را مختل کند. حتی بدون نشت رادیواکتیو، تخریب تجهیزات پیشرفته مانند ساترنیفیژوها یا سیستم‌های پشتیبانی می‌تواند ماهه‌ا یا سال‌ها تولید این محصولات را متوقف کند.

ایران، به‌عنوان کشوری که برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود را تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیش می‌برد، حق دارد این اقدام را از طریق نهادهای بین‌المللی پیگیری کند و خواستار جبران خسارات وارده به بیماران و زیرساخت‌های پزشکی خود شود.

ششد. این طرح، با هدف قرار دادن مناطق پرجمعیت، نقض آشکار اصل تمایز در حقوق بشر دوستانه بود که بر حفاظت از غیرنظامیان در زمان جنگ تأکید دارد.

این طرح در حالی تدوین شد که ایران هیچ تهدید مستقیمی برای آمریکا یا منافع آن ایجاد نمی‌کرد. استفاده از خاک ایران به‌عنوان زمین بازی جنگ نشان‌دهنده بی‌اعتنایی به ارزش جان انسان‌ها و حاکمیت ملی یک کشور بود. این اسناد که از طبقه‌بندی «فوق محرمانه» خارج شده‌اند، یادآور این هستند که قدرت‌های جهانی ممکن است در راستای اهداف خود، حتی متحدانشان را قربانی کنند. این سابقه تاریخی، در کنار حملات اخیر به تأسیسات هسته‌ای ایران، نشان‌دهنده الگویی از بی‌توجهی به قوانین بین‌المللی و خطرات هسته‌ای است.

روژیم‌هایی مانند صدام یا صهیونیستی صادر شده، این محکومیت‌ها فاقد ضمانت اجرایی بوده‌اند. اما در مورد حمله اخیر به تأسیسات

هسته‌ای ایران، نه‌تنها اقدام عملی انجام نشده، بلکه حتی همین محکومیت صوری نیز از سوی نهادهای بین‌المللی صورت نگرفته است. این روند نشان‌دهنده افول عملکرد سازمان ملل و نهادهای وابسته در حفظ تعهدات حقوق بین‌الملل و تضمین امنیت برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز است.

روژیم‌هایی مانند صدام یا صهیونیستی صادر شده، این محکومیت‌ها فاقد ضمانت اجرایی بوده‌اند. اما در مورد حمله اخیر به تأسیسات

هسته‌ای ایران، نه‌تنها اقدام عملی انجام نشده، بلکه حتی همین

شورای امنیت در قطعنامه‌ای این اقدام را محکوم کرد، اما هیچ تحریم یا مجازاتی علیه این رژیم اعمال نشد.

هر چند ترور دانشمندان هسته‌ای به‌طور مستقیم حمله به تأسیسات محسوب نمی‌شود، اما چنین اقداماتی می‌توانند چهارچوب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را تضعیف کنند. این سوابق تاریخی نشان‌دهنده انفعال سازمان ملل در دفاع از حقوق هسته‌ای کشورهای عضو است. حتی در مواردی که محکومیت‌هایی علیه

فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان

فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



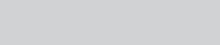
فرهنگ نخبگان



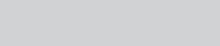
فرهنگ نخبگان



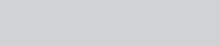
فرهنگ نخبگان



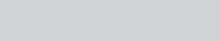
فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان



فرهنگ نخبگان